

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Literaryl

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۱۰ جون ۲۰۱۷

کابل، آن کابل نبود

(قسمت نهم)

تلویزیون طلوع و تهاجم فرهنگی ایران

وقتی پنج ماه پیش ضمن سفر اضطراری به کابل، در جمع دوستان بودم، حدیث "تهاجم فرهنگی ایران" بر زبانی چند جاری گشت. هیچ خود را نخاریدم و گذاشتم، دیگران در زمینه بگویند. چیزهائی گفتند و نکاتی را سفتند، ولی هرچه گفتند و سفتند، حاکی از یک نکته جاندار بود و آن این، که این موضوع به حیث یک نقطه نیرنگی اینک در داخل وطن مطرح گردیده است و مردم ما متوجه شده اند، که از سمت همسایه غربی ما کارهائی صورت می‌پذیرد و از تخمهای افشانده در زمین نرم ما، حالا می‌خواهند ثمر بردارند. حدود هفده سال پیش بود، که این قلم دردهای متراکم دل خود را زیر عنوان "تهاجم فرهنگی ایران" در جریده "امید" پیش کشید. از آن زمان تاکنون دهها مقاله در وبسایتهای انترنتی منتشر ساختم؛ ولی از همه بیشتر در پورتال خود ما "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان". با مسرت می‌بینم، که آنچه عرضه گردید، بذری بود در زمین و زمینه آماده، که به زودی جوانه زد و شاخ و پنجه دوانید؛ عرضه ای بود، که زود تقاضا پیدا کرد و دست به دست گشت، تا همگانی گشت. اما مراد از "تهاجم فرهنگی" چیست؟؟؟

بدین منظور باید بدو کلمه "تهاجم" را شگافت و مدلول لغوی و متداول آن را دریافت:

"تهاجم" کلمه عربی و مصدر باب "تفاعل" است، که از ماده "هجوم" اشتقاق یافته است. خاصیت ذاتی و خانه زاد این باب "مشارکت فعل" بین چند "فاعل" است. مثلاً وقتی:

- "تداوم" می‌گوئیم، مراد از "باهم دوام آوردن" است و

- "تساهل" - بر یکدیگر سهل گرفتن است و

- "تکامل" - یکدیگر را کامل ساختن و

- "تقابل" - مقابل هم قرار گرفتن

- "تضاد" (اصلاً "تضادد" است، که دو دال پیهم در یک دال مشدد مُدغم شده اند) - "ضد هم واقع شدن"

- "تشابه" - باهم شباهت داشتن و صدها مثال دیگر.

کلمه "تهاجم" هم در ذات صرفی و لغوی خود در زبان عربی معنای "برهم هجوم بردن" یا "بالای یکدیگر هجوم آوردن" را دارد. اما تداول استعمال این لغت در زبان دری/فارسی محض از "هجوم یکطرفه" حکایت می‌کند؛ همان قسمی، که مدلول "تدافع" در تداول زبان ما نیز مراد از "دفاع یکجانبه" است - در حالی، که "تدافع" در نفس لغوی و ساخت صرفی خود "دفاع دوطرفه" یا "دفاع دوجانبه" را افاده می‌کند. به عبارت دیگر، در حالی، که "تدافع" در ذات خود معنای "به مقابل هم به دفاع برخاستن" را دارد، در ساحة عمل در زبان دری مراد از آن محض "دفاع کردن" است. همان قسمی، که "تهاجم" را نیز در معنای "هجوم بردن" استعمال می‌کنیم. شایان یادآوری است، که "تهاجم" و "تدافع" اصلاً اصطلاحات عسکری اند، که در میدان حرب مستعمل بوده اند و بعداً در ساحات دیگر اتساع استعمال پیدا کرده اند.

بعد ازین، که مفهوم یکجانبه "تهاجم" را شناختیم، برویم و منظور عملی این اصطلاح را باز کنیم:

وقتی می‌گوئیم، که ایران مشغول تهاجم فرهنگی بر وطن ماست، بدین معناست، که این کشور همسایه در به پهلوی ما مصروف تحمیل ارزشهای فرهنگی خود بر ما ست، خواه در ساحة موضوعات مذهبی باشد و یا مسائل زبانی و ...؛ بگذریم ازین، که تهاجم فرهنگی مجرائی را جهت پیاده کردن موضوعات اقتصادی و سیاسی ایران در افغانستان نیز باز می‌کند. فعلاً و درین مدخل فقط مسائل زبانی مد نظر من است.

می‌دانیم، که زبان دری و فارسی هر دو عین زبان هستند و اصل هم زبان دری است، که به مرور قرون و دهور در دو جغرافیای مختلف ایران و افغانستان سیر انکشافی متفاوت را پیموده است. عین زبان دری در کشور ایران به شکلی انکشاف کرده است، که امروز به نام "زبان فارسی" علم می‌گردد، در حالی، که "زبان دری" در افغانستان به همان اصل خود یاد می‌شود. این نکته را نیز باید افزود:

در حالی، که فارسی ایران از نگاههای مختلف - لغوی و تلفظی و حتی دستوری - سیر متفاوت آگنده با انحرافات و ابتذالات را پیموده است، دری افغانستان تا حدود زیادی به اصل خود وفادار مانده است. از همین سبب است، که اهل فضل و ادب و ادبیات ایران وقتی دری گفتن مردم ما را می‌بینند و می‌شنوند، به زبان حال و قال به سرگی و نیالودگی زبان ما غبطه می‌خورند.

با وجود مزایایابی، که در زبان دری افغانستان نهفته است، متأسفانه مامردم نه تنها به حفظ و حراست ارزشهای زبانی خود نمی‌کوشیم، بلکه در صددم، که همین ارزشهای ناب و سره زبانی را با ارزشهای ناباب و ناسره ایرانی تعویض بکنیم. همین خاصیت از خودبیزاری و بیگانه پرستی ما باعث شده است، تا ایرانیان ارزشهای زبانی خود را بر ما بقبولانند. بررسی عمیق نکات ضعف ما، که در واقع خود زمینه چنین تهاجمی را فراهم می‌سازد، باشد برای فرصتی دگر. فعلاً می‌خواهم بر نفس تهاجم زبانی اندکی مکث نمایم:

تهاجم ارزشهای زبانی خود به خود و بدون واسطه صورت نمی‌گیرد، بلکه از خود وسائل و ابزار و مجاری می‌خواهد آن باید ردیابی و شناسائی گردند. با مد نظر گرفتن این نکته، که پخش طویل‌مدت کتب و آثار مطبوع ایران در افغانستان به حیث پیشقراول و مقدمه‌الجیش تهاجم فرهنگی باید شمرده شود، مجراهای مختلف ذیل را می‌توان در تعمیم و عملی ساختن تهاجم فرهنگی ایران دخیل دانست:

- اشخاص:

- عده نامعدود و بی‌شمار نویسندگان و شاعران و اهل معارف و مطبوعات ما، که خواسته یا ناخواسته دستیار این تهاجم قرار گرفته‌اند.

- مهاجران افغان، که چار صباحی در ایران بوده و ارزشهای زبانی آن سامان را به وطن حمل کرده‌اند.
- عمالی، که بدین منظور هدفمندانه تربیه گردیده و پرورش دیده‌اند و بالجزم از طرف مقامات ایرانی تمویل می‌شوند.

- وسائل ارتباط جمعی:

- رادیوها و تلویزیونهای، که مبلغ عملی چنین تهاجم هستند
- در رأس همه تلویزیون "طلوع" قرار دارد، که عملاً اصطلاحات و کلمات خاص فارسی ایران را به گوش مخاطبان افغان خود می‌رساند.

از مدتی ست، که روزانه تلویزیون طلوع را می‌بینم و می‌بینم، که در هر گامی، که نطقان و هدایتگران این تلویزیون برمی‌دارند، از خودبیبگانی زبانی را دامن می‌زنند. به اصطلاحات و کلمات ذیل توجه کنید، که تلویزیون طلوع در عوض کلمات مروّج و کاملاً معمول و مأنوس خود ما روزمره به گوش شنوندگان خود می‌رساند:

- "چادر" در عوض "خیمه" - درحالی، که این دو کلمه در زبان عام مردم ما مدلولهای متفاوت دارند
- "گفت و گو" به جای "مباحثه" - این دو کلمه در زبان عام و ادبی مردم ما مدلولهای کاملاً متفاوت دارند
- "نشست" به جای "جلسه" - درحالی، که این دو کلمه در زبان عام مردم ما مدلولهای متفاوت دارند و اصلاً "نشست" را از نگاه ساختمان صرفی نمی‌توان جانشین "جلسه" ساخت.

- "سه شنبه شبها" که از نگاه ساخت صرفی نادرست است به عوض "شبهای سه شنبه"

- "مجلس نمایندگان" به جای "مجلس شورا" یا "ولسی جرگه"

- "کارشناس"، که صرفاً و منطقاً نامناسب است، در عوض "متخصص"

و صدها و هزاران کلمه و اصطلاح دیگر

یک زمانی ضمن مقاله ای نوشته بودم، که:

«ما افغانها اغلاط خود را نگه می‌داریم و اغلاط دیگران را نیز کاپی می‌کنیم، از همین روست، که با اغلاط مضاعف دست و گریبان هستیم!!!»

می‌بینم، که عمله و فعله تلویزیون طلوع قدم به قدم از همین خط غلط پیروی می‌فرمایند!!!

از مدتهای مدید بدین سو درین زمینه خاص مقالات نامعدودی نوشتم و از نگاههای تحلیلی و نشریحی با ارائه مثالهای فراوان به شگافتن موضوع پرداختم. ضمن همین نوشته ها بر کلمات ناباب و مغلوپ فارسی ایران انگشت گذاشتم.

اینک می بینم، که تلویزوپن طلوع همان کلمات غلط انگشت گذارده را روزمره به دهها و صدها استعمال کرده و از زبان نطاقان خود به گوش مردم ما می ساند. گوئی تلویزوپن طلوع تربیونی شده است، که اصطلاحات نامناسب ایران را خوراک مردم ما بسازد. شنیده ام، که آقای "اعظم رهنورد زریاب" درین زمینه رولی دارد؛ اما بحثش را می گذارم برای قسمت بعدی.